

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسونوف * - (Valentin Katasonov)

برگردان و پی نوشت از: ا. م. شیرینی

۰۱ دسمبر ۲۰۱۳

تحریمهای امریکا علیه ایران یا شمشیر دو لبه

امریکا، به عقیده بسیاری از سیاستمداران و اقتصاددانان امریکائی، در استفاده از ابزارهای سیاست خارجی مانند تحریمهای اقتصادی، بیش از حد زیاده روی کرده است. تحریمهای واشنگتن، شمشیر دو لبه است. آنها، هم بر روی هدف (کشور تحریم شده) تأثیر منفی می گذارند و هم بر روی فاعل، یعنی خود امریکا. تأثیر منفی تحریمها بر روی هدف، قابل مشاهده و سریع است، اما بر روی فاعل، اگر چه کمتر مشهود است، ولی بسیار خطرناک و ویرانگر می باشد. اعمال این تحریمها علیه ایران چه تأثیری بر روی امریکا خواهد گذاشت؟

ایران مجبور شد وابستگی خود به بازارهای خارجی را به شدت کاهش دهد. در طول سالهای زیاد ایران برای ایجاد مراکز تولید محصولات جایگزین وارداتی هر چه بیشتر سرمایه گذاری کرد. در حال حاضر نفت خام بخش عمده صادرات ایران را تشکیل می دهد، اما دولت برای افزایش صادرات محصولات نفتی، گاز طبیعی، فلزات و حتی ماشین آلات صنعتی برنامه ریزی کرده است. تا چندی پیش ایران ۱۰۰ درصد گازوئیل، سوخت هواپیما، و همچنین گاز مایع مورد نیاز خود را از خارج تأمین می کرد. اکنون آنها را صادر می کند. با اتمام احداث پالایشگاه بزرگ نفت بندر عباس، ایران که وارد کننده بنزین است، به صادر کننده آن نیز تبدیل خواهد شد. دولت ایران توجه خاصی روی تولید تجهیزات بومی استخراج و تصفیه نفت و گاز طبیعی و پتروشیمی معطوف داشته است. بخش عمده تجهیزات مورد نیاز این عرصه را از چین وارد خواهد کرد.

یکم- در میان کشورهای ثبت شده در لیست سیاه واشنگتن، مناسبات هر چه تنگاتنگ برقرار می شود. نزدیکی ایران و سوریه، برجسته ترین نمونه آن است. دو کشور، از جمله، در تابستان سال ۲۰۱۳ یک قرارداد دایر بر اعطای وام طولانی مدت تهران به دمشق برای خرید محصولات نفتی به میزان ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دالر منعقد کردند. تهران همکاری خود با پاکستان، افغانستان و عراق را فعالانه توسعه می دهد. کابل به منظور استفاده از یکی از بنادر ایران برای تجارت با اروپا و هند، مشغول مذاکره با تهران است. قرارداد احداث خط لوله انتقال گاز ایران به پاکستان دو سال و نیم پیش امضاء شد. چند ماه قبل احداث این خط لوله در خاک پاکستان آغاز شد. تا پایان سال ۲۰۱۴، انتقال روزانه ۲۱ و نیم میلیون مترمکعب گاز ایران به پاکستان آغاز خواهد شد. پس از آن که واشنگتن اروپا را به پیوستن به تحریمها علیه وادار ساخت، روابط تجاری- اقتصادی ایران کاملاً به سوی آسیا معطوف گشت (در حال حاضر، بیش از ۹۰ درصد صادرات ایران). اما این روابط در اروپا و

امریکای شمالی و جنوبی مجموعاً ۳ درصد است. این چنین تحول در سمنگبری مناسبات تجاری تهران، واشنگتن را که همواره از اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» پیروی کرده، خشمگین می کند.

دوم- بدون تأثیر چنین عاملی مانند تحریمها علیه ایران، حتماً تقویت مواضع چین و روسیه در منطقه خاورمیانه و نزدیک با دشواری مواجه می شد. روسیه با بخش اعظم تحریمها علیه ایران موافقت نکرد و در توسعه انرژی هسته‌ئی با این کشور همکاری می کند. چین مقادیر هنگفتی نفت از ایران می خرد و در مقابل آن، انواع مختلف کالاها، از اجناس مصرفی گرفته تا تکنولوژی تصفیه نفت و صنایع نفتی به ایران صادر می کند. صرفنظر از ویژگیهای نظام حقوقی ایران که در راه سرمایه گذاری خارجی در اقتصاد کشور موانعی ایجاد می کند، به گزارش رسانه های چین و ایران حجم سرمایه گذاری چین در اقتصاد ایران در آغاز سال گذشته، قریب ۲ میلیارد دلار بود.

امریکا بر سر شاخ نشسته و بن می برد

اما عمده ترین تأثیر منفی تحریمهای اقتصادی بر واشنگتن، عبارت از آن است، که موجبات تضعیف موقعیت دلار امریکا در جهان را فراهم می آورد و باعث سقوط نظام دلار- نفت می شود. روشن است، که بنیان نظام دلار- نفت، ۴۰ سال پیش در خاورمیانه و نزدیک گذاشته شد. در آن زمان، عربستان سعودی زیر فشارهای امریکا به این خواست امریکا که همه تسویه حسابهای مربوط به فروش طلای سیاه با دلار امریکا انجام گیرد، تسلیم گردید. علاوه بر آن، بر اساس این توافقنامه واریزی دالرهایی حاصل از صدور نفت به بانکهای وال استریت و لندن سیتی الزامی شد. نظام بازیافت دلار- نفت به وجود آمد. در مقابل چنین خدمتی، واشنگتن تأمین تسلیحاتی و چتر حمایت نظامی- سیاسی، از جمله تضمین وفاداری اسرائیل به سعودیها را وعده کرد. سایر کشورهای منطقه نیز از عربستان سعودی پیروی کردند، کشورهای غیر عرب عضو اوپک نیز به این توافقنامه پیوستند. ایران، از قضا همان وقت نیز جزو کشورهایی بود که از پیشنهادهای واشنگتن پشتیبانی کرد.

امروز ایران از محاسبه با دلار به مثابه ابزار بین المللی پرداختها کاملاً آزاد شده است. ایران با وجود همه دشواریها در توسعه اقتصادی خود، یک سابقه ایجاد کرد و نشان داد: بدون ارز «سبز» هم می توان زندگی کرد. واشنگتن ایران را به سوی معاملات تهاتری، معاملات جایگزین ارز دالری و طلا سوق داد.

تهاتر. یعنی مبادله کالائی، که امکان معاملات بدون ارز را فراهم می آورد. ایران در تجارت با بسیاری از کشورها، در وهله نخست با چین، موازین معامله پایاپای را به کار می بندد. ایران مدت مدیدی است که از کالاهای مورد مصرف عمومی چین: انواع ماشین رختشوئی، یخچال، پوشاک، اسباب بازی، لوازم آرایشی و غیره به مثابه ارز استفاده می کند. چین حتی صدور تهاتری تجهیزات صنایع نفت، و همچنین تجهیزات تولیدی مورد مصرف در صنایع استخراج نفت را برنامه ریزی کرده است، اما به بیان دقیق تر، این هنوز دادوستد کالائی نیست. سخن بر سر صدور کالاهای چینی به ایران در مقابل آن پولهایی است که وارد کنندگان نفت ایران به حسابهای بانکهای چین واریز کرده اند. باقیمانده های این پولها در حسابهای بانکهای چین، بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار برآورد می شود. در آغاز ماه نومبر سال ۲۰۱۳ این مبلغ، به گزارش رسانه های جمعی، به ۲۲ میلیارد دلار بالغ می شد. بانکهای چینی از انتقال پول به حسابهای ایرانی بیم دارند. پول کالاهای صنعتی وارده از چین به ایران، از حسابهای ایران در بانکهای چین به حساب صادرکنندگان چینی در همان بانکها واریز می شود.

ایران با برخی از کشورها معامله کاملاً پایاپای می کند. مثلاً در تجارت با سوریه. در مبادله کالائی، سوریه پارچه و محصولات کشاورزی از قبیل روغن زیتون و مرکبات به ایران صادر می کند و در مقابل آنها نفت و محصولات نفتی می خرد.

ارزهای ملی. در ارتباط با تحریم مالی- بانکی واشنگتن، تهران در آغاز دهه اخیر سعی کرد جای دالر امریکا را به یورو بدهد. با تشکیل بورس کالا، حتی به این گذار تکان داد. در ماه اگست سال ۲۰۱۱، بازار بورس بین المللی نفت در جزیره کیش واقع در خلیج فارس رسماً افتتاح شد. اولین معامله آن با استفاده از یورو و دینار امارات متحده عربی انجام گرفت. ایران تصور می کرد که اروپا شریک تجاری- اقتصادی اش خواهد بود، در رسانه های جمعی در ارتباط با تأسیس این بازار بورس، حتی از تولد «یورو- نفت» صحبت می شد. اما واشنگتن با اعمال فشار بر اروپا، آن را به پیوستن به تحریمها علیه تهران و به امتناع بانکهای اروپائی از معامله با ایران وادار ساخت. امیدواری به یورو خیلی زود به یأس بدل شد. در ماه جون ۲۰۱۲ آمریکا هر نوع معامله با استفاده از ارز ملی ایران- ریال- را تحریم کرد. در همین رابطه، ایران به مدت تقریباً یک سال و نیم، از ارزهای سایر کشورها، مقدم بر همه، از یوان چین، روپیه هند و روبل روسیه در محاسبات بین المللی استفاده کرد. مبادله تجاری چین- ایران، سالانه بین ۲۰- ۳۰ میلیارد دالر برآورد می شود. استفاده از یوان از اول سال ۲۰۱۲ شروع شد، امروز، بر اساس آخرین برآوردها، در حدود نیمی از مبادله تجاری دو کشور با کمک یوان چین انجام می گیرد. شایان توجه است که بانکهای چینی از انجام معاملات مستقیم با یوان با بانکهای ایرانی بیم دارند. به گزارش رسانه ها، بانکهای روسیه در این معاملات، نقش میانجی را در میان چین و ایران ایفاء می کنند. آنچه که به روابط تجاری ایران و هند مربوط می شود، چنین است، که ۴۵ درصد این تجارت با روپیه انجام می گیرد. ایران امروز، صرفنظر از تحریمها، به بیش از ۳۰ کشور جهان نفت صادر می کند. البته، به میزان بسیار کمتر از آنچه که به چین و هندوستان می فروشد. سایر کشورها نیز توافقاتم هائی دایر بر استفاده از ارزهای ملی در تجارت با ایران امضاء می کنند. مثلاً، تابستان سال جاری، قرارداد مشابهی با اندونزی امضاء شد. گزارشهای مربوط به این که ایران و روسیه در محاسبات بین خود از روبل استفاده خواهند کرد، در اوایل سال ۲۰۱۲ به رسانه های راه یافت.

طلا. این ابزار محاسبه با قدرت بالای نقدینگی، سهولت استفاده و ایمنی بالای آن در رابطه با انواع مختلف تحریمها برای ایران بسیار جذاب است. رئیس بانک مرکزی ایران حتی در سال ۲۰۱۰ با اشاره به سهم ۱۵ درصدی فلز (طلا) در ذخیره بین المللی، اظهار داشت، که تبدیل بخشی از ذخیره ارزی کشور به طلا برنامه ریزی می شود. در پایان ماه فیروزی سال ۲۰۱۲ بانک مرکزی ایران آمادگی خود را مبنی بر پذیرش طلا به عنوان ارز در مقابل نفت اعلام کرد. طرف خطاب این اعلامیه در درجه اول چین بود، که در بانکهایش مقدار زیادی ارز دریافتی از وارد کنندگان چینی نفت جمع شده بود. هدف این پیشنهاد، تأدیه بدهی با فلز زرد بود. بر اساس اطلاعات برخی منابع، چین در تجارت با ایران واقعاً هم به طور گسترده از طلا استفاده می کند، اما آن را تبلیغ نمی کند. ایران همچنین در تجارت با عراق نیز از طلا استفاده می کند که به همین سبب، ذخیره طلای خود را به سرعت افزایش داد. ۴۵ درصد تجارت ایران با هند با روپیه انجام می شود؛ دلیلی برای باور به این وجود دارد، که بقیه بهای نفت صادراتی ایران به هند، با طلا تأدیه می شود. ترکیه یکی از شرکای تجاری عمده ایران است، که با طلا معامله می کند. به گزارش رسانه های جمعی، ترکیه از سال ۲۰۱۱ گاز طبیعی ایران را با فلز زرد می خرد و بدین ترتیب، ممنوعیتهای بین المللی را دور می زند. این مبادلات تجاری را ترکیه نه تنها پنهان نمی کند، بلکه آن را در آمارهای رسمی نیز منعکس می سازد. مبادله گاز طبیعی با فلز زرد به طور غیرمستقیم،

از طریق پرداخت لیره ترکی و واردکنندگان ترکیه ئی گاز به بانک ملی (هالک بانکاسی) انجام می گیرد. ایران با لیره های جمع شده در ترکیه، طلا می خرد و آن را به انبار بانک مرکزی خود منتقل می سازد. طبق اطلاعات رسمی، صادرات ترکیه به ایران در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار بود که در حدود ۷ میلیارد دلار آن را فلزات گرانبها و سنگهای قیمتی تشکیل می دادند.

در ماه دسمبر سال ۲۰۱۲ بسته جدید تحریمها علیه ایران به تصویب رسید و از اواسط سال ۲۰۱۲ اجرائی شد. ممنوعیت استفاده از طلا در محاسبات با اشخاص حقیقی و حقوقی ایران جزو تحریمهای جدید بود، چرا که ممنوعیت جنبه برون مرزی دارد. این تحریمها مشکل بتواند اثرگذار باشند: کنترل معاملات با طلا به اندازه همان جستن سوزن در انبار کاه دشوار است. واشنگتن تجارت بین ایران و ترکیه بر مبنای طلا را با دقت خاصی زیر نظر دارد. به گفته رئیس شورای طلا- جواهرات و فلزات گرانبهای ترکیه، آیهان گونر، درخواست واشنگتن از آنکارا دایر بر ختم صدور طلا به ایران بی اساس است. و اگر حتا دولت ترکیه پاسخ مثبت هم بدهد، در هر حال کارفرمایان ترکیه راه و روش تجارت با ایران را پیدا می کنند.

ذخیره طلای ایران تا اوایل سال ۲۰۱۲، ۳۴۰ تن برآورد می شد. اما به عقیده بسیاری از کارشناسان، واضح است که این رقم آشکارا کمتر نشان داده شده است. بخش قابل ملاحظه فلز طلا از راههای غیررسمی به ایران وارد می شود و در گاوصندوقهای بانک مرکزی و وزارت دارائی جای می گیرد. بر اساس یکی از ارزیابی های جایگزین، ذخیره طلای ایران در آغاز سال ۲۰۱۲، مشتمل بر ۹۰۰ تن بوده و این رقم با حجم واردات سالانه ایران قابل قیاس است.

پی نوشت مترجم

بالاخره، ایران پس از آن که حق طبیعی و قانونی (طبق مقررات ان. پی. تی) کشور و مردم ایران را با رهنمان بین المللی به مذاکره گذاشت، اینک، تأیید حق طبیعی ما از سوی آنها را به نام پیروزی به اذهان عمومی حقنه می کند. اما آنچه که ایران ادعا می کند، اصلا مهم نیست، بلکه مهم این است که چرا و در چه شرایطی کشورهای گروه ۵+۱، در رأس آنها امپریالیسم امریکا حق طبیعی و قانونی ایران را بعد از سالها تهدید به حمله نظامی و چندین دور مذاکره، در آخرین جلسه در ژنیو به رسمیت شناخت؟ به نظر می رسد، این توافق، بیشتر با «پیری» و استیصال این خطرناکترین دولت تاریخ در شرایط تعمیق روزافزون بحران ساختاری نظام سرمایه داری و همچنین، رسوائیها و شکستهای پیاپی آن و متحدانش در سازماندهی و اجرای انواع انقلابات «رنگی»، حملات نظامی و جنگهای تروریستی- استعماری سده حاضر از یک سو و از سوی دیگر، با تلاشهای مؤثر ایران برای دور زدن تحریمهای ضدانسانی غرب و حرکت به سوی خروج کامل از زیر سلطه دلار بستگی دارد. البته، این راه را که ایران طی می کرد، بیشتر دولتهای عراق به رهبری صدام حسین و لیبیا به رهبری معمر قذافی در پیش گرفته بودند. منتها، دولتهای امپریالیستی به فرماندهی امریکا گوشمالی سختی به آنها دادند، هر دو کشور را اشغال و ویران نموده، جمعیت آنها را کشتار و تار و مار کرده و رهبران شان را همراه با خانواده هایشان به قتل رساندند. اما امروز، پس از به گل نشستن ماشین آدمکشی امریکا و اروپا و رسوائی سیاستهای ضدبشری آنها در جای جای جهان، به خصوص در سوریه، نه اوضاع بحرانی و نابسامان اقتصادی- مالی و نظامی آن و نه افکار عمومی جهان، اجازه شروع جنگ دیگری را به غرب نمی دهد. در نتیجه، این امپریالیستهای همیشه مهاجم، به روشهای توطئه آمیز و دسیسه گرانه دست یازیده و برای بازگرداندن ایران به زیر سلطه استعماری دلار، به فریبکاری دست می زنند تا به زعم خود آب رفته را به جوی بازگردانند. چرا که

تنها به حساب جهانی کردن دالر است، که امپریالیسم جهانی و در رأس آن، امپریالیسم امریکا بقای خود را تضمین نموده، استمرار می بخشد. اگر رژیم ایران نتواند این واقعیت خطرناک را درک کند و با بخواهد با تغییر مسیر طی شده در مدت سی و چهار سال پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، مجدداً به دایره نفوذ امپریالیسم جهانی به سرپرستی امریکا بازگردد، نتیجه آن، چیزی جز نابودی ایران و تعویق سقوط ناگزیر امپریالیسم جهانی، به ویژه، امپریالیسم امریکا نخواهد بود.

* پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه

به نام «سرگئی فیودوروویچ شاراپوف»

<http://www.fondsk.ru/news/2013/11/20/amerikanskie-sankcii-protiv-irana-ili-palka-o-dvuh-koncah-24100.html>

۹ آذر - قوس ۱۳۹۲